

دکتر نصرالله قهرمانی  
وکیل پایه یک دادگستری

## تجدیدنظر در آرای داوری‌های خارجی

### ● مقدمه

مفهوم تجدیدنظر در آرای داوری‌های خارجی و تفاوت آن با تجدیدنظر در احکام؛  
تجدیدنظر در آرای داوری‌های خارجی، مفهوم گسترده‌ای دارد و با آنچه از اصطلاح  
«تجدیدنظر در احکام» در حقوق داخلی به ذهن متبادر می‌گردد. تفاوت کلی دارد،  
مقایسه زیر تفاوت آنها را روشن‌تر می‌سازد.  
الف) تجدیدنظر در آرای دادگاه‌ها، منحصرأً حسب درخواست اصحاب دعوی (جز  
در موارد استثنایی که دادستان کل کشور از جهت صیانت از حاکمیت قانون، طبق ماده  
واحده قانون وحدت رویه قضائی مصوب ۱۳۲۸ و ماده ۲ اضافه شده به قانون  
آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۲۷ کمیسیون مشترک خاص مجلسین وقت، از احکام  
مخالف قانون محاکم، حق تجدیدنظرخواهی دارد.) و یا مواردی که رییس قوه قضائیه با  
استفاده از حق مندرج در تبصره ۲ ماده ۱۸ اصلاحی قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و  
انقلاب از احکام تجدیدنظرخواهی می‌کند صورت می‌گیرد، در حالی که آرای  
داوری‌های خارجی را در مرحله صدور، دادگاه محل صدور رأی و در مرحله اجراء،  
دادگاه محل صدور دستور اجراء، رأساً مورد تجدیدنظر قرار می‌دهند.  
به عبارت دیگر کنترل آرای داوری‌های خارجی، لزوماً نیاز به درخواست  
محکوم علیه ندارد.

ب) علاوه بر نظارت و کنترلی که دادگاه محل صدور حکم و دادگاه محل اجراء در  
زمان صدور دستور اجراء بر آرای داوری خارجی اعمال می‌کند، محکوم علیه نیز در هر

دو مرحله می‌تواند درخواست تجدیدنظر در آرای داوری خارجی بکند، لیکن آثار مترتب بر تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه با آثار موردی که دادگاه محل صدور رأی داوری یا دادگاه محل اجرا رأساً رأی داوری خارجی را مورد کنترل و نظارت قرار می‌دهند، متفاوت است.

ب) نتیجه تجدیدنظرخواهی محکوم‌علیه در مرحله صدور حکم ممکن است ابطال رأی داوری صادره توسط دادگاه محل استقرار داوری باشد ولی چنانچه دادگاه محل صدور رأی داوری، رأساً و یا در جریان رسیدگی به درخواست صدور اجراییه محکوم‌له، رأی داوری را مورد کنترل و نظارت قرار دهد، نتیجه مترتب بر آن صرفاً رد درخواست اجراییه است نه ابطال آن.

دادگاه محل اجرای رأی داور هم، اعم از اینکه در مقام رسیدگی به درخواست صدور دستور اجرا، رأی داوری را مورد کنترل و تفتیش قرار دهد و یا بر اثر اعتراض محکوم‌علیه، آن را مورد تجدیدنظر قرار دهد حق ابطال رأی مزبور را ندارد و صرفاً می‌تواند درخواست دستور اجرا نسبت به آن را نپذیرد.

بدیهی است این آثار، با آثار مترتب بر تجدیدنظرخواهی از احکام دادگاه‌ها، بسیار متفاوت است زیرا نتیجه تجدیدنظر از آرای دادگاه‌ها همواره به صورت تأیید یا فسخ و نقض حکم و صدور حکم جدید متجلی می‌گردد.

### **مقایسه احکام مربوط به تجدیدنظر از آرای داوری‌های خارجی از یک سو و کنترل آرای دادگاه‌های خارجی از سوی دیگر**

۱. تجدیدنظر از احکام دادگاه‌ها، در مرحله صدور اجراییه، تابع مقررات مربوط به کشور متبوع دادگاه صادرکننده حکم است. بنابراین در جریان صدور اجراییه، کنترل مجددی توسط دادگاه مزبور، نسبت به حکم صادره اعمال نخواهد شد و حال آنکه آرای داوری‌های خارجی، در جریان درخواست اجراییه توسط محکوم‌له، قابل کنترل توسط دادگاه رسیدگی‌کننده به درخواست اجرای رأی داوری می‌باشد.

۲. با توجه به اینکه، همزمان با درخواست دستور اجرا نسبت به رأی دادگاه خارجی، دادگاه محل اجرای حکم، شرایط قابلیت اجرای آن را احراز و سپس مبادرت به صدور

دستور اجرا می‌کند، بنابراین پس از صدور دستور اجرا، هیچ گونه اعتراض از ناحیه محکوم علیه نسبت به چنین رأیی پذیرفته نخواهد شد. در حالی که آرای داورهای خارجی، همان گونه که قبلاً نیز بیان گردید، حتی پس از صدور دستور اجرا نسبت به آنها، در مرحله اجرا توسط محکوم علیه نیز قابل اعتراض می‌باشد.

توضیح مطلب آنکه طبق ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مصوب آبان ماه ۵۶ که ناظر به احکام و اسناد لازم‌الاجرای کشورهای خارجی است و منطبق با رویه اتخاذ شده توسط اکثر کشورها در مورد احکام خارجی می‌باشد، دادگاه‌های داخلی به منظور احراز قابلیت اجرای احکام مزبور در ایران، باید موارد هشت گانه پیش‌بینی شده در آن را، احراز کنند. در ماده ۱۷۵ همان قانون نیز پیش‌بینی گردیده است، چنانچه دادگاه، درخواست محکوم‌له را نپذیرد، تصمیم قضائی خود را در چهارچوب قرار به متقاضی ابلاغ می‌کند، و این قرار فقط قابل پژوهش (تجدیدنظر) می‌باشد.

از مفهوم ماده اخیر چنین استنباط می‌گردد که دادگاه مرجع صدور دستور اجرا فقط یک بار و آن هم در زمان رسیدگی به درخواست دستور اجرا، حق کنترل و اعمال نظارت بر حکم دادگاه خارجی را خواهد داشت و پس از صدور دستور اجرا، هیچ گونه اعتراضی از ناحیه محکوم علیه نسبت به رأی دادگاه خارجی، پذیرفته نخواهد بود.

این برداشت، مبتنی بر اصل نزاکت حقوقی در غالب کشورها است که صدور اجراییه توسط دادگاه صادرکننده حکم، دلیل قطعی بر صحت رأی تلقی می‌گردد. در پاره‌ای از کشورها مانند آمریکا و انگلیس، این اصل را به احکام داورهای که نسبت به آن توسط دادگاه مقرر داور، اجراییه صادر شده باشد نیز تسری داده‌اند.<sup>(۱)</sup>

پس از این مقایسه نسبتاً کوتاه، برای مشخص کردن بیشتر محدوده بحث، لازم است «مفهوم آرای داورهای خارجی "از" آرای داورهای داخلی» نیز شناخته گردد. در مقایسه با داورهای خارجی، می‌توان گفت منظور از داور داخلی، نوع خاصی از داور است که کلیه عوامل تشکیل دهنده آن به یک قلمرو سیاسی مشخص مربوط باشد ولی چنانچه یکی از عوامل متشکله آن از قبیل تابعیت اصحاب دعوی، تابعیت داوران، قانون قابل اجرا و محل اجرای رأی داور، خارجی باشد باید آن را داور خارجی دانست. از آنجایی که در ارتباط با مناقشات راجع به قابل تجدیدنظر بودن احکام داورهای

خارجی مطرح می‌گردد، تابعیت رأی داوری، نقش اساسی را ایفاء می‌کند، باید ملاک تعیین وابستگی رأی داوری را به یک سیستم حقوقی ملی بازشناخت.<sup>(۲)</sup>

در سیستم حقوقی انگلیس و آمریکا، رأی داور را ناشی از قرارداد رجوع به داوری تلقی می‌کنند و در نتیجه قانون حاکم بر قرارداد مزبور را ملاک تعیین وابستگی رأی داور می‌دانند و تنها در مواردی که این ضابطه کافی نباشد و یا از صراحت لازم برخوردار نباشد، ملیت رأی داور را به کشور محل صدور نسبت می‌دهند.

### ماهیت حقوقی رأی داوری

تعیین تابعیت رأی داور از مسایل بسیار مهم در ارتباط با قانون قابل اجرا و نیز نحوه اجرای رأی داور و لزوماً شرایط تجدیدنظر در آن می‌باشد و این امر با شناخت ماهیت حقوقی رأی داور میسر است. به طور کلی در تعیین ماهیت حقوقی رأی داور دو نظر وجود دارد.

۱. نظریه‌ای که رأی داور را مستند به قرارداد رجوع به داوری می‌داند.
  ۲. نظریه‌ای که به موجب آن رأی داوری را فاقد مبنای قراردادی می‌شناسد.
- در سیستم حقوقی انگلیس و آمریکا که از نظریه نخست پیروی شده است، از خاصیت قراردادی بودن مبنای رأی داوری یک نتیجه مهم استخراج می‌شود که هرگاه شرط ارجاع به داوری در حکم قرارداد تلقی شود، رأی صادره قطعیت داشته و بدون رسیدگی قضائی توسط دادگاه محل صدور یا محل اجرا باید قابلیت اجرا داشته باشد. لیکن در سیستم حقوقی فرانسه و ایران از نظریه دوم تبعیت شده است، به همین دلیل رأی داوری تا قبل از صدور دستور اجرا توسط یک مقام قضائی در این دو سیستم، واجد جنبه اجرایی نمی‌باشد. به عبارت دیگر پیروان این نظریه درخواست اجرای رأی داوری را نیز نوعی اقامه دعوی می‌دانند، بنابراین رأی داوری خارجی وابسته به کشوری است که دستور اجرای آن را صادر کرده است.

نیبویه حقوقدان فرانسوی در توجیه این نظر معتقد است:

«رأی داوری را نباید با قرارداد داوری اشتباه کرد، زیرا پس از اینکه اصحاب دعوی، به موجب قرارداد، امر مورد اختلاف را به داور ارجاع کردند. داور مزبور جانشین قاضی شده بدون توجه به

اراده طرفین مبادرت به صدور رأی می‌کند. اختیارات اصحاب دعوی فقط محدود به تعیین داور است...»<sup>(۳)</sup>

ارزیابی دو نظریه فوق: نظریه قراردادی بودن رأی داوری از نظر حقوق، استحکام زیادی ندارد، زیرا پیدا شدن مفاهیمی مانند نظم عمومی و قوانین موجد حق، در عرصه حقوق، موجب گردیده است که دستگاه قضائی، کنترل آرای داوری را اعم از داوری داخلی یا خارجی برای خود حفظ کند و برای اعمال این کنترل، چاره‌ای جز این نیست که وصف قراردادی بودن رأی داور که لزوماً با وصف قطعیت آن همراه است، از آن سلب شود. به همین دلیل تقریباً در همه کشورهای، رأی داور را واجد وصف قضائی می‌دانند و ملاً لزوم کنترل آن را از جهت تشریفات رسیدگی و رعایت قوانین موجد حق و نظم عمومی مورد تأکید قرار می‌دهند.

اما واقعیت این است که «نظریه قضائی»، و «نظریه قراردادی بودن» رأی داوری هر یک متضمن قسمتی از حقیقت بوده و هیچ یک از دو نظریه مزبور را به طور اطلاق نمی‌توان پذیرفت. علمای حقوق، فرض «قضائی بودن» یا «قراردادی بودن» رأی داوری را با توجه به نتیجه‌ای که می‌توان بر آن مترتب کرد مورد توجه قرار می‌دهند، مثلاً فرض قضائی بودن رأی، از جهت وابستگی و تابعیت رأی داوری خارجی بیشتر می‌تواند مفید واقع شود، زیرا در این صورت می‌توان به سهولت نتیجه گرفت که رأی داور وابسته به کشور محل صدور دستور اجرایی آن است و حال آنکه اگر بخواهیم در مورد تعیین وابستگی رأی از نظریه قراردادی بودن استفاده کنیم با مشکلات مربوط به تعیین محل انعقاد قراردادهای داوری مخصوصاً در عقود بین غایبین مواجه خواهیم بود ولی برعکس، از این نظریه می‌توان در درخواست بطلان رأی داوری استفاده کرد. زیرا همان گونه که هر قراردادی تابع مرز مشخص نبوده و می‌توان دعوی ابطال آن را در هر دادگاهی اقامه کرد، در دادگاه محل اجرای رأی داور هم می‌توان به موارد ابطال رأی داور استناد کرد.<sup>(۴)</sup>

نتیجه‌ای که مستقیماً از توصیف قضائی رأی داور گرفته می‌شود این است که رأی داوری خارجی قبل از صدور اجراییه نسبت به آن توسط یک مرجع صلاحیت‌دار خارجی، در سایر

کشورها قابل اجرا نیست.

این امر از جهت اجرایی حائز اهمیت است، زیرا دستور اجرای دادگاه خارجی بهترین دلیل اعتبار رأی داوری طبق قانون حاکم بر صدور رأی بوده و دادگاه اجراکننده را از دشواری‌های رسیدگی به قانون حاکم و رسیدگی دقیق در جزئیات داوری بی‌نیاز می‌کند.

لیکن مسأله مهم، حدود دخالت دادگاه خارجی در کنترل رأی داوری است. در کشور اتریش، رأی داوری پس از تأیید کتبی داوران قابل اجرا خواهد بود و دادگاه فقط از جهت قابلیت ارجاع امر به داوری، رأی صادره را مورد نظارت و کنترل قرار می‌دهد. در پرتقال بین رأی داوری و حکم دادگاه از نظر ترتیبات اجرایی تفاوت وجود ندارد و اجرای حکم توسط دادگاه صلاحیت‌دار طبق مقررات مربوط به احکام دادگاه‌ها به عمل می‌آید.<sup>(۵)</sup> در ایران آرای داوری از جهت رعایت قوانین موجد حق و نظم عمومی و اخلاق حسنه مورد کنترل واقع می‌شود.

نظریه «قضائی بودن رأی داور»، این سؤال را به ذهن متبادر می‌کند که آیا خود رأی داور فی حد ذاته یک تصمیم قضائی است و یا اینکه پس از صدور دستور اجرای آن، واجد این خصوصیت می‌گردد. به عقیده زانوبینی حقوقدان ایتالیایی، «مرجع قضائی براساس عقل عمل می‌کند و وظیفه قاضی تفسیر منطقی قانون و اجرای اصول کلی حقوقی است، بنابراین داور هم که به عنوان یک قاضی خصوصی به انتخاب متداعین، همان کار قاضی دولتی را انجام می‌دهد رأی او واجد خصوصیت قضائی است و دستور اجرای داور توسط یک مرجع قضائی، چیزی به محتوای رأی اضافه نمی‌کند و وصف آن را تغییر نمی‌دهد.»<sup>(۶)</sup>

لیکن به نظر زانوبینی ایراد زیر وارد است:

وظیفه قاضی صرفاً اجرای امور عقلی و اصول حقوقی نیست بلکه قاضی نماینده حاکمیت عمومی نیز هست و وظیفه‌اش اولاً و بالذات حفظ نظم حقوقی است، ثانیاً وظیفه داور اجرای خصوصی عدالت نیست بلکه تدارک خصوصی مقدمات اجرای حق است و از این حیث داور در عداد وابستگان دستگاه قضائی قرار می‌گیرد.

ذکر این نکته ضروری است که ماهیت غیرقضائی بودن رأی داور قبل از صدور

دستور اجرا در طرح قانون متحدالشکل داوری که توسط مؤسسه حقوق خصوصی رم پیشنهاد می‌گردد، پذیرفته شده است در ماده ۲ این طرح می‌خوانیم:

«رأی داور فقط پس از اینکه از طرف دادگاه، قابل اجرا اعلام شود، خاصیت اجرایی پیدا می‌کند.»

### نتیجه مترتب بر توصیف قضائی رأی داور

نتیجه‌ای که مستقیماً از توصیف قضائی رأی داور گرفته می‌شود این است که رأی داور خارجی قبل از اینکه به وسیله یک مرجع صلاحیت‌دار خارجی قابل اجرا اعلام شده باشد، (جز در مواردی که در کنوانسیون‌های چندجانبه ترتیب دیگری اتخاذ شده باشد)، نمی‌تواند به وسیله دادگاه‌های کشورهای دیگر اجرا گردد.

این دستور اجرا، دادگاه اجراکننده را نیز از مشکلات رسیدگی به قانون حاکم به رأی داوری بی‌نیاز می‌کند.

### حدود دخالت دادگاه خارجی در محتویات رأی قبل از صدور دستور اجرا

در داوری‌های خارجی، به سه طریق می‌توان نسبت به رأی داور درخواست تجدیدنظر کرد:

۱. درخواست تجدیدنظر در رأی به وسیله داوران صادرکننده رأی.
۲. درخواست تجدیدنظر در رأی داور توسط یک مرجع داوری دیگر یا یک مرجع قضائی.
۳. درخواست ابطال رأی داور یا اعتراض به رأی داوری از سوی یکی از طرفین داوری.

منظور از درخواست ابطال رأی داور این است که رأی صادره به دلیل نقض اساسی یک یا چند اصل مهم دادرسی، به طور کلی و یا در قسمت‌هایی که ناقض قانون است کنار گذاشته شود. در حالی که هدف از تجدیدنظرخواهی یا پژوهش از رأی داور در یک مرجع بالاتر، ابطال نبوده بلکه قصد تجدیدنظرخواه از این کار، تجدیدنظر در رأی داوری به طوری کلی و یا از جهت خاص می‌باشد و بالاخره منظور از تجدیدنظر در رأی

داوری توسط داوران صادرکننده رأی، اصلاح اشتباهی است که داوران در صدور رأی مرتکب شده‌اند و یا جلب توجه آنها به سند و مدرکی است که بعد از صدور رأی کشف شده است.<sup>(۷)</sup>

بنابراین نوعاً اعتراض به رأی داور در مرجع قضائی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد ولی درخواست تجدیدنظر در حالت‌های دیگر را مرجع صادرکننده رأی یا مرجع بالاتر رسیدگی می‌کند.

در کشور اتریش رأی داوری پس از اینکه به تأیید کتبی داوران رسید قابل اجرا خواهد بود و دادگاه صرفاً به مسأله قابلیت ارجاع موضوع به داوری، رسیدگی می‌کند. در پرتغال بین رأی داوری و حکم دادگاه از نظر ترتیبات اجرایی تفاوتی وجود ندارد و اجرای حکم توسط دادگاه صلاحیت دار به عمل می‌آید. این روش را کنوانسیون نیویورک نیز پذیرفته است و بالاخره در کشور فرانسه، رأی داوری پس از امضای داوران به دستور رییس دادگاه محل صدور، قابل اجرا است. چون دستور مزبور یا *ordonnance d'exequatur* بدون رسیدگی در ماهیت رأی، صادر می‌شود، دادگاه فقط رأی داور را از جهت عدم مابینت آن با نظم عمومی کنترل می‌کند. در انگلستان عملاً تقاضای اجرای رأی داور با تسلیم درخواست به دادگاه محل صدور رأی امکان‌پذیر می‌باشد و به دو طریق می‌توان درخواست اجرای رأی داور را کرد:

الف) اجرای رأی داور به عنوان رأی داور

ب) درخواست تبدیل رأی داور به رأی دادگاه

در حالت نخست مدارک لازم برای درخواست اجراء، قرارداد ارجاع امر به داوری، گواهی ابلاغ رأی داور به محکوم‌علیه و رأی داوری است. لیکن در حالت دوم قراردادی که اختلاف مربوط به آن به داوری ارجاع شده است نیز باید ضمیمه درخواست گردد.

در کشور سوئیس، داوران پس از صدور رأی، شخصاً نسخ رأی را به تعداد اصحاب دعوی تسلیم دادگاه محل صدور می‌کنند و دادگاه دستور ابلاغ رأی داوری را صادر می‌کند و زمان تسلیم رأی به دفتر دادگاه را نیز به اطلاع اصحاب دعوی می‌رسانند، لیکن اصحاب دعوی می‌توانند این موضوع را در قرارداد داوری خود حذف کنند. چنانچه



رای داور کافی نباشد دادگاه به داورها دستور می‌دهد که آن را کامل کنند.<sup>(۸)</sup>

### مراحل مختلف کنترل رأی داور

پس از صدور رأی داوری، در دو مرحله مراجع قضائی رسمی فرصت می‌یابند رأی مزبور را مورد کنترل و تفتیش قضائی قرار دهند.

مرحله اول: دستگاه قضائی مرجع صدور اجراییه در محل صدور رأی.

مرحله دوم: دستگاه قضائی محل اجرای رأی هنگام صدور دستور اجرا.

توضیح مطلب آنکه، پس از صدور رأی داور، ذینفع باید از مرجع قضائی محل صدور آن اجرای رأی مزبور را بخواهد. این درخواست، خود به خود این فرصت را برای مرجع قضائی محل صدور، فراهم می‌آورد تا از جهات زیر رأی داور را مورد کنترل قرار دهد:

۱. آیا رأی داوری مبتنی بر یک قرارداد معتبر می‌باشد؟

۲. آیا شرط داوری مندرج در قرارداد، واجد اعتبار قانونی است؟ در برخی کشورها مانند برزیل مراجعه به داوری در مورد اختلافاتی که هنوز واقع نشده است، شرط معتبر داوری تلقی نمی‌گردد و در کشورهای آمریکای لاتین هم وضع به همین منوال است.

۳. آیا رسیدگی به موضوع در صلاحیت انحصاری دادگاه نبوده است؟ طبق این اصل، اختلاف موضوع داوری همواره باید از حقوق اصحاب دعوی باشد. با وجودی که در برخی کشورها مانند سوئیس و آمریکا تمام اختلافات تجاری از قبیل دعاوی ورشکستگی، انحلال شرکت‌ها، حق الامتیاز علائم صنعتی و قراردادهای منعقد شده بین سهامداران را می‌توان به داوری ارجاع کرد، لیکن در برخی کشورهای دیگر از جمله فرانسه مسایلی از قبیل ورشکستگی و مالکیت صنعتی و حق اخراج، قابل ارجاع به داوری نیست. در ایران نیز دعوی ورشکستگی و دعاوی مربوط به اصل نکاح و دعاوی نسب، قابل ارجاع به داوری نمی‌باشد.

۴. آیا داوران از حدود داوری تجاوز نکرده‌اند؟ در بعضی کشورها، صرف تجاوز داوران از حدود قرارداد داوری، رأی داور را به طور کل باطل می‌کند. ولی در برخی دیگر از کشورها مانند انگلیس رأی صادره فقط در حدودی که خارج از محدوده اختیار

داوران باشد باطل خواهد بود.

۵. آیا رأی داور دربرگیرنده کلیه اختلافات موجود بین طرفین است یا فقط نسبت به بعضی از آنها تصمیم‌گیری شده است و برخی اختلافات موجود بین آنان مورد تصمیم‌گیری واقع نشده است؟ در انگلستان رأی صادره نسبت به مسایلی که داوران نسبت به آن تعیین تکلیف کرده‌اند، قابل اجراست ولی در کشورهای دیگر، هرگاه داوران نسبت به برخی موضوعات موضوع داوری، رسیدگی نکرده باشند، با این توجیه که چنین رای‌ی برخلاف قصد طرفین از ارجاع امر به داوری بوده است، رأی صادره را کلاً باطل می‌دانند.

۶. آیا داوران از مقررات صریح قانونی که به موجب قانون داخلی کشور صادرکننده اجرائیه، شرط صحت داوری است، تخلف نکرده‌اند؟

این مقررات بعضاً جنبه ماهوی و پاره‌ای جنبه شکلی دارند. در غالب سیستم‌های حقوقی، به اصحاب دعوی اجازه داده شده است که نحوه رسیدگی داوران را خود تعیین کنند ولی در برخی دیگر از سیستم‌ها از جمله اسپانیا داوران ملزم به رعایت قواعد آیین دادرسی اسپانیا می‌باشند. در بلژیک در این مورد بین احکام داوری مبتنی بر انصاف و داوری به موجب قانون تفاوت وجود دارد.<sup>(۹)</sup> زیرا هرچند در داوری مبتنی بر انصاف، داوران تابع مقررات شکلی آیین دادرسی نمی‌باشند ولی ملزم به رعایت مقررات اساسی داوری طبق قانون آن کشور هستند. عدم رعایت این مقررات مخالف با نظم عمومی تلقی می‌شود. از باب مثال، یکی از اصول مسلم آیین دادرسی بلژیک، اعطای حق دفاع به اصحاب دعوی است.

۷. و بالاخره آیا داوران در صدور رأی از حدود قوانین مربوط به نظم عمومی تجاوز نکرده‌اند؟

موارد فوق، از استقراء در مقررات داوری کشورهای مختلف به دست می‌آید و احصاء این موارد بدین معنا نیست که در همه کشورها از جهات فوق رأی داور مورد تفتیش قضائی واقع می‌شود. خاصه آنکه در سال‌های اخیر این‌گرایش در بین کشورهای مختلف ایجاد شده است که موارد تجدیدنظر نسبت به آراء داوری محدود گردد و باب اعتراض اصحاب دعوی نسبت به این قبیل آراء فقط در مواردی که اعتبار رأی داور به

دلیل نقض اساسی پاره‌ای از مقررات، مورد تردید واقع می‌شود، باز باشد. از باب مثال مقررات داورى بین‌المللى فرانسه که در سال ۱۹۸۱ تصویب شده است و نماینده این گرایش به حساب می‌آید، صریحاً موارد درخواست ابطال رأی داور را محدود به موارد پنج‌گانه زیر کرده است:<sup>(۹)</sup>

- ۱- در صورتی که قرارداد معتبر داورى بین طرفین تنظیم نشده باشد.
- ۲- در صورتی که در نصب داوران ترتیب قانونی رعایت نشده باشد.
- ۳- در صورتی که مرجع داورى از حدود داورى تجاوز کرده باشد.
- ۴- چنانچه تشریفات داورى به طور کامل رعایت نشده باشد.
- ۵- در صورتی که رأی داور مخالف نظم عمومی بوده باشد.

شبهه همین مقررات در قانون ۱۹۸۶ داورى هلند پیش‌بینی گردیده است. در قوانین داورى جدید سوئیس (قانون ۱۹۸۷) و قانون داورى ۱۹۷۹ انگلیس حق تجدیدنظرخواهی از آراء داورى به موارد محدود پیش‌بینی شده در آن قوانین تقلیل یافته است.<sup>(۱۰)</sup>

موارد فوق را دادگاه محل درخواست اجراییه، رأساً در زمان صدور دستور اجرای رأی داور اعمال خواهد کرد. لیکن محکوم علیه رأی داورى می‌تواند حسب اطلاع از درخواست اجراییه توسط محکوم‌له، علاوه بر موارد یاد شده، در حالت‌های زیر تجدیدنظر در رأی داور و ابطال آن را از مرجع محل صدور رأی بخواهد.

الف) هرگاه صدور رأی مبتنی بر تقلب یکی از اصحاب دعوی باشد.

ب) هرگاه رأی مبتنی بر اسناد و مدارکی باشد که بعداً مجعول بودن آنها به اثبات برسد.

پ) هرگاه اسناد و مدارک جدیدی کشف گردد که در ماهیت دعوی مؤثر باشد.

ت) در صورتی که رفتار داوران در حین رسیدگی خارج از حدود بی‌طرفی و مقررات داورى باشد.<sup>(۱۱)</sup>

### مرحله دوم - تجدید نظر در حکم داور

پس از صدور دستور اجرای رأی داور توسط مرجع صالح محل صدور حکم،

چنانچه محل اجرای حکم همان محل باشد، رأی مزبور با صدور اجراییه، قابل اجراست، لیکن چنانچه محکوم علیه بخواهد رأی مزبور را در یک کشور دیگر اجرا کند، باید اجرای رأی داور را از دادگاه محل اجرای حکم بخواهد.

۱. عدم مابینت با نظم عمومی: حدود اعمال نظم عمومی در کشورهای مختلف متفاوت است، در برخی کشورها دامنه آن حتی نسبت به اصل قرارداد داوری، قابلیت ارجاع موضوع به داوری و نحوه رسیدگی داوران گسترش پیدا می‌کند. لیکن اصل این است که استفاده از وسیله کنترل باید محدود به مواردی گردد که بین رأی داور و سیستم حقوقی کشور اجراکننده حداقل سازگاری وجود نداشته باشد. در قراردادهای بین‌المللی با درج مبانی اساسی سازگاری حقوق بین‌المللی از قبیل حق دفاع و رسیدگی عادلانه در حقیقت از محتوای نظم عمومی کاسته‌اند. یکی از مواردی که هنوز تحت عنوان کلی نظم عمومی مورد توجه دادگاه‌های اجراکننده رأی داور قرار می‌گیرد قابلیت موضوع از جهت ارجاع به داوری است. به نظر دیوانعالی کشور فرانسه هر دعوی که حل آن راجع به نظم عمومی می‌گردد باید منحصراً توسط دادگاه‌های دادگستری مورد رسیدگی واقع شود. به همین جهت هر توافقی که در رجوع به داوری در این موارد صورت گیرد باطل و برخلاف نظم عمومی است. (۱۲)

در حقوق فرانسه، حتی در صورتی که رأی داوری مستدل نباشد نیز به علت مابینت با نظم عمومی غیر قابل اجرا تلقی می‌شود و حال آنکه در سیستم‌های حقوقی دیگر از جمله انگلیس و آمریکا مستدل بودن رأی از شرایط صحت رأی داوری و مسایل مربوط به نظم عمومی نیست. (۱۳)

باتیقول استاد حقوق بین‌الملل فرانسه نظر جالبی در این زمینه دارد او معتقد است: «همین که به موجب مقررات حقوق بین‌الملل خصوصی، مسأله‌ای در صلاحیت قانون خارجی قرار گرفت، این امر خود به وضوح ثابت می‌کند که موضوع فی‌حد ذاته راجع به نظم عمومی نمی‌باشد.» (۱۴)

به نظر می‌رسد رویه اتخاذ شده در کشور فرانسه که مستدل بودن رأی را از مسایل مربوط به نظم عمومی می‌داند قابل انتقاد باشد، زیرا به طور قطع، اجرای رأی داوری غیرمستدل، خدشه‌ای به نظم عمومی بین‌المللی هیچ کشوری وارد نمی‌کند. اساساً باید

بین مفهوم نظم عمومی داخلی و نظم عمومی بین‌المللی قابل به تفصیل گردید و نظم عمومی بین‌المللی را به عدم حداقل سازگاری با نظام حقوقی کشور اجراکننده رأی تعبیر و تفسیر کرد. از باب مثال هرچند ممکن است میان رأی داوری خارجی با قوانین آمره یک کشور از مصادیق بارز مخالفت با نظم عمومی داخلی تلقی شود، لیکن در روابط بین‌الملل صرف تخلف از قواعد آمره داخلی میانیت با نظم عمومی تلقی نمی‌گردد.

۲. بی‌نظمی در رسیدگی و عدم رعایت حق دفاع: دومین نکته‌ای که دادگاه محل اجرای داوری در مقام صدور اجرا به آن توجه خواهد کرد، نظم دادرسی و رعایت حق دفاع در جریان رسیدگی داوری است. این مورد صریحاً در قراردادهای بین‌المللی نیز مورد توجه واقع شده است جزء ب از بند یک ماده ۵ قرارداد نیویورک و جزء ب از بند یک ماده ۹ قرارداد اروپایی ۱۹۶۱ مقرر می‌دارد:

«چنانچه طرفی که علیه او تقاضای اجرای رأی داده شده است به نحو صحیحی از تعیین داور یا شروع رسیدگی مطلع نشده باشد و یا به علل دیگر نتوانسته باشد از دعوی دفاع کند می‌توان از اجرای رأی داور خودداری کرد». حق دفاع به نحوی که فوقاً بیان گردید، به نظر حقوقدانان فرانسه جزئی از نظم عمومی است ولی در سیستم حقوق آمریکا، این مورد از مفهوم نظم عمومی جدا شده و تحت عنوان اصل «دادرسی منظم» مورد توجه واقع می‌شود. در حال حاضر در کلیه قراردادهای راجع به اجرای احکام داوری خارجی این شرط به نحو مستقل و جدا از نظم عمومی درج می‌شود. منظور از حق دفاع، ابلاغ وقت داوری به طرفین، بی‌طرفی داوران و رسیدگی منظم می‌باشد که از جنبه‌های بارز عدالت حقوقی است.

#### نکته:

هرگاه رأی داوری از طرف یک مرجع قضائی کشور محل صدور قابل اجرا اعلام شده باشد و سپس محکوم‌له برای اجرای رأی به دادگاه کشور دیگری مراجعه کند، بنابر اصل نزاکت حقوقی در غالب کشورها بخصوص در انگلستان و آمریکا دستور اجرای محکمه محل صدور رأی، اماره قطعی بر صحت رأی و قابلیت اجرای آن در کشور محل صدور تلقی خواهد شد.

دادگاه اجراکننده، علی‌الاصول نباید مجدداً وارد در مسأله اعتبار رأی طبق قانون حاکم بر صدور گردد فقط می‌تواند به دلیل مابینت با نظم عمومی و بی‌نظمی در رسیدگی و عدم رعایت حق دفاع از صدور دستور اجرا امتناع کند. بدیهی است چنانچه محکوم علیه نسبت به صحت رأی صادره و بنابه یکی از علل فوق‌الذکر اعتراض داشته باشد، باید شکایت خود را در صورت امکان (در صورتی که رأی داور قابل تجدیدنظر خواهی باشد) در دادگاه محل صدور مطرح کند. این نظر مبتنی بر این فرض است که دادگاه کشور محل صدور دستور اجرا، واجد صلاحیت در مفهوم بین‌المللی است و چون دستور مزبور در حدود صلاحیت مرجع صادرکننده بوده است، دادگاه اجراکننده حتی اگر تخلفی از حیث رعایت قانون قابل اجرا ملاحظه کند، باید بنا را بر اصل صحت قرار داده و وارد ماهیت رأی داوری نگردد. هر چند که از حیث اصول و مبانی حقوقی و نیز از نظر رعایت مصلحت تسهیل اجرای آرای داوری، این نظریه قابل دفاع است، ولی در عمل تفکیک صلاحیت مرجع صدور دستور اجرا و مرجع قضائی محل اجرا کاملاً رعایت نمی‌شود. از طرف دیگر رویه قضائی و نظرات حقوقی در بسیاری کشورها از جمله فرانسه با قبول مشابهت آرای داوری داخلی و خارجی، به محکوم‌علیه رأی داوری خارجی اجازه می‌دهد که از کلیه موجبات دفاع در مقابل آرای داوری داخلی استفاده کند. به عبارت دیگر با این توجیه امکان تجدیدنظر حتی در مرحله صدور دستور اجرا نسبت به رأی داوری وجود دارد و حتی قرارداد ژنو با قبول اصل رعایت قانون محل اجرای رأی داوری امکان رسیدگی در ماهیت رأی و تعیین اعتبار آن را به قاضی محل اجرا داده است. این تعبیر از قضیه شاید به نظریه قراردادی بودن رأی داوری مبتنی است، زیرا چنانچه رأی داوری را ناشی از قرارداد داوری بدانیم مسأله بطلان یا اعتبار آن مانند هر قرارداد دیگری تابع مرز مشخص نخواهد بود.

#### ● منابع:

۱. دکتر مرتضی نصیری - اجرای آرای داوری خارجی ص ۳۰.
۲. برای مطالعه بیشتر پیرامون نظریات حقوقدانان در مورد ضابطه خارجی بودن رأی داوری، مراجعه شود به مقالات آقایان ال هارون برگ و آلبرت جان وان رن برگ در نشریه کانون وکلای هند چاپ ۱۹۸۴.

۳. Niboyeh حقوق بین الملل خصوصی چاپ ۱۹۵۰ ج ۶ صفحات ۱۳۴ به بعد.
۴. دکتر مرتضی نصیری همان کتاب ص ۲۶ به بعد.
۵. دکتر مرتضی نصیری همان کتاب ص ۲۷.
۶. همان مأخذ.
۷. مجله داوری بین المللی ج ۸ شماره یک سال ۱۹۹۲ مقاله آقای دکتر جمال سیفی تحت عنوان درخواست تجدیدنظر از آراء دیوان داوری ایران و آمریکا ص ۲۲ به بعد.
۸. رجوع شود به بخش B.R از مجموعه قوانین داوری دنیا از انتشارات اطاق بازرگانی بین المللی.
۹. مأخذ قبل بخش B.R.
۱۰. دکتر جمال سیفی همان مأخذ.
۱۱. دکتر جمال سیفی همان مأخذ.
۱۲. دکتر مرتضی نصیری همان مأخذ ص ۳۰.
۱۳. سیری ۱۲۰ - ۱ رأی مورخ ۲۹ نوامبر ۱۹۵۰ دیوان کشور فرانسه.
۱۴. باتیفول، حقوق بین الملل خصوصی شماره ۳۶۱ به نقل از دکتر مرتضی نصیری همان مأخذ ص ۳۲.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی